



۲۰۱۸/۰۹/۲۲



دوکتور حیدر داور

مسافر آواره

اقتباس از "ارمغان آزادی" دیوان اشعار حیدر داور
انتخاب و تهیه: ولی احمد نوری



در بحر پر تلاطم گیتی شناورم
افتاده ام بعید ز دامن کشورم
من کیستم؟ مسافر آواره از وطن
از کف برفته خاک وطن، خاک بر سرم
خاکش بسر که کرده ز خاکم جدا مرا
میرد کسی که گشته عزیز و برادرم
بی سرنوشت و بی‌کس و از دوستان جدا
دور از دیار و یار و ز آغوش مادرم
بیهوده بار منت اغیار می کشم
وا حسرتا که نیست کسی یار و یاورم
دیجور گشته کوکب رخشان آسیا
خاموش گشته مشعل خورشید خاورم
حاشا که نیست ای وطن باستانی ام
در عشق و در محبت تو کس برابرم

سوزم بساط فتنه ارباب ددمنش
با آه سوزناکی، که از دل برآورم
از مردم زمانه دلم عاقبت گرفت
اکنون به پیش خالق یکتا پناه ورم

مسدود گشته روزنه روزگار من
در انتظار رحمت درگاه "داورم"

